

چارچوب مفهومی فرآیند کشف، پژوهش و اجتماعی

کردن مسائل محیط‌زیستی

دکتر مهدی کلاهی؛ پژوهشگر مسائل اجتماعی-محیط‌زیستی

۲۰ تیرماه ۱۳۹۵

شماره مسلسل: ۱۱۰۰۲۱۲

شماره شاپا: ۵۲۸۵-۲۴۲۳

مقدمه

حدود ۵۰ سال پیش، به دنبال بروز بحران‌های محیط‌زیستی و منابع طبیعی همچون تخریب لایه اوزون، انقراض گونه‌ها و افزایش دما، مردم آگاه جهان آغازگر حرکتی چشم‌گیر و نوینی بودند تا مسائل محیط‌زیستی را از مفهوم مسائل علمی صرف، به بطن مسائل اجتماعی تزریق کنند و جنبشی را به نام محیط‌گرایی رونمایی کردند. ولی این رویکرد متحدکننده علوم طبیعی و اجتماعی، با استقبال کمتری از جانب علوم اجتماعی مواجهه شد. طبق گفته ژرژتومه، به ویژه جامعه‌شناسان، به خاطر توهم مستقل دانستن جامعه‌شناسی از محیط‌طبیعی، مسائل محیط‌زیستی را سوژه اصلی خود حساب نکردند و به تقویت نظریات اجتماعی درباره محیط‌زیست نپرداختند. به‌هرحال، حدود ۲۰ سال بعد از ظهور محیط‌زیست‌گرایی، جامعه‌شناسی متوجه مسائل محیط‌زیستی و پیوند و رابطه تخریب محیط‌زیست و پیامدهای اجتماعی آن می‌شود و سعی در اجتماعی‌شدن مسائل محیط‌زیستی می‌کند. با این وجود هنوز هم ما ایرانی‌ها در کشف، پژوهش و اجتماعی کردن مسائل محیط‌زیستی با کاستی‌های بسیاری روبرو هستیم. پاسخ اصلی به چرایی این کمبودها، هدف این نوشتار می‌باشد.

مفهوم و معیارهای اجتماعی شدن یک مسئله

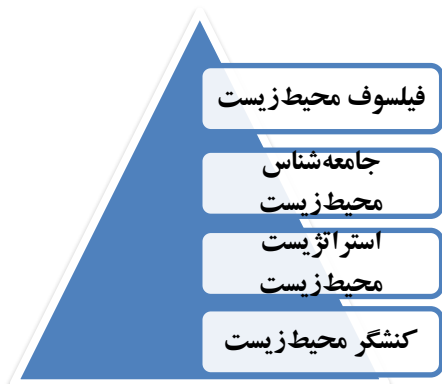
لازم است بیان شود که منظور از اجتماعی شدن مسائل محیط‌زیستی چیست؟ و در چه حالتی می‌توان گفت یک مسئله، اجتماعی شده است؟ آقای دانیل لوزیک، در تعریف اجتماعی شدن یک مسئله، ۴ شرط برشمرده است از قبیل

الف) دارای شرایط منفی (یعنی ادراک عمومی متوجه آن اشتباه شده و زحمتی برای مردم ایجاد کند، مسائلی مانند بی‌سوادی، خشونت، عدم بهداشت و رفاه، آلودگی‌ها، سرطان‌ها)؛ ب) پدیده‌ای جدی، شایع و گسترده (به عبارتی در کنار مورد اول یعنی منفی بودن، فقط مشکل یک عده کمی از افراد نباشد، بلکه تعداد بسیاری از افراد را درگیر کند، مانند بیکاری اکثر فارغ‌التحصیلان رشته‌های محیط‌زیست، منابع طبیعی و کشاورزی)، ج) امید خوش‌بینانه به ارائه راه‌حل (مرگ یک پدیده منفی (شرط اول) و شایع (شرط دوم) است، اما یک مسئله اجتماعی نیست چون کسی نمی‌تواند آن را تغییر دهد؛ اما چگونه مردن (خودکشی، شیوع بیماری‌های واگیردار یا حتی تصادفات) می‌تواند به‌صورت بالقوه یک مسئله اجتماعی تلقی شود) و د) امکان تغییر منطقی (بحث هزینه-فایده تغییر و اجرای راه‌حل‌ها، منطقی باشند). به‌عبارتی‌دیگر، فرآیند اجتماعی کردن مسائل محیط‌زیستی از آنجایی شروع می‌شود که ما به زحمتی روبرو می‌شویم و متوجه می‌شویم تعداد زیادی از افراد با این مسئله روبرو هستند. سپس راه‌حلی خوش‌بینانه و تغییر منطقی برای آن شکل می‌گیرد.

گروه‌های مؤثر در کشف، پژوهش و اجتماعی

کردن مسائل محیط‌زیستی

برای کشف، پژوهش و اجتماعی کردن مسائل محیط‌زیستی / منابع طبیعی، نیاز به طراحی فرآیندی ۴ مرحله‌ای داریم که در غالب چارچوب مفهومی و کاربردی شکل ۱، به گروه‌های آن می‌پردازیم.



شکل ۱- چارچوب مفهومی فرآیند کشف، پژوهش و اجتماعی کردن مسائل محیط‌زیستی

۱- گروه اول - فیلسوف محیط‌زیست

فلسفه محیط‌زیست، شاخه‌ای از فلسفه است که به محیط طبیعی و جایگاه انسان در آن می‌پردازد و فرهنگ و اخلاق محیط‌زیستی را ایجاد می‌کند. اینکه مفاهیم اصلی محیط‌زیست کدامند؟ وقتی از «طبیعت» صحبت می‌کنیم، منظورمان چیست؟ چه تفاوتی بین محیط‌زیست، طبیعت، منطقه بکر یا جای‌های دیگر وجود دارد؟ چه چیزهایی یک محیط‌زیست را می‌سازند؟ چه چیزهایی بخشی از یک محیط‌زیست نیستند؟ ارزش‌های ابزاری و ذاتی محیط طبیعی کدامند؟ چگونه محیط‌زیست را ارزش‌گذاری کنیم؟ رویکرد اخلاقی نسبت به حیوانات و نباتات به چه شکل و با چه اصولی است؟ وقتی از گونه‌های در حال انقراض یا در حال تهدید صحبت می‌شود منظور چیست؟ محیط‌زیست‌گرایی و بوم‌شناسی ژرف چه مفاهیمی دارند؟ چگونه به چالش‌های محیط‌زیستی همچون تخریب محیط‌زیست، انقراض گونه‌ها، آلودگی‌ها و گرمایش زمین پاسخ دهیم؟ چگونه به بهترین نحو روابط بین طبیعت و فناوری و توسعه بشر را درک و فهم کنیم؟ جایگاه ما در طبیعت کجاست؟ حق و حقوق نسل‌های آینده را چگونه در نظر بگیریم؟ و هزاران مفهوم اصلی دیگر که باید ابتدا کشف و گسترش یابند تا درک ما را از محیط‌زیست، وحدانیت و جامعیت بخشند. در همین راستا، فیلسوف محیط‌زیست کسی است که وظیفه‌اش یافتن پاسخ برای چنین پرسش‌هایی است. او افق تازه‌ای از محیط‌زیست را دریافت، کشف، خلق یا بازنمایی کرده و با در نظر گرفتن بسیاری از نیروهای اثرگذار بر شکل‌دهی حیات اجتماعی- محیط‌زیستی (همچون نیروهای تاریخی آنچه مدنظر مارکس بودند یعنی مناسبات اقتصادی و طبقاتی، یا نیروهای تاریخی فناوری آنچه مدنظر هایدگی بودند یعنی همان مفهوم گشتل) به درک تازه‌ای از محیط‌زیست می‌پردازد. در اصل، نمی‌توان و نباید از فیلسوف محیط‌زیست، انتظار حل مستقیم مسائل محیط‌زیستی را داشته باشیم. بلکه کار او، بازگشایی افق تازه‌ای جلوی فرهنگ بخشی نگر و کوتاه نگر ماست. آنگاه دانشمندان، روشنفکران، یا سیاستمداران در این افق دست به کنش می‌زنند.

۲- گروه دوم - جامعه‌شناس محیط‌زیست

علم جامعه‌شناسی محیط‌زیست، دارای ویژگی بین‌رشته‌ای بوده، به مطالعه کنش بین جامعه و محیط‌زیست پرداخته و ویژگی‌هایی همچون دلایل اجتماعی و پیامدهای مسائل محیط‌زیستی را کنکاش می‌کند. رشته جامعه‌شناسی محیط‌زیست دارای سه بُعد مفهومی (اینکه چگونه مصرف‌گرایی، اقتصاد، فناوری و جمعیت روی شرایط محیط‌زیست تأثیر می‌گذارند)، فکری (اینکه چگونه اندیشه‌ها، فرهنگ‌ها، عقاید و تجربه‌های اجتماعی روی شرایط محیط‌زیست تأثیر می‌گذارند) و عملی (چگونه نه تنها این مشکلات را مطالعه کنیم، بلکه از چه روش‌هایی آن‌ها را بهبود بخشیم) می‌باشد که می‌توان مثال‌هایی همچون پایداری (تا کی می‌توانیم همین کاری که اکنون انجام می‌دهیم را انجام دهیم: مانند ایجاد آلودگی‌ها، افزایش جمعیت، مصرف‌گرایی، نابودی زیستگاه‌ها) و عدالت محیط‌زیستی (سودها نصیب چه کسی شده‌اند و زیان‌ها، نصیب چه کسی) را نام برد. در همین راستا، جامعه‌شناس محیط‌زیست کسی است که با اتکا به اندیشه فیلسوف محیط‌زیست، نظریه‌های اجتماعی- محیط‌زیستی می‌دهد و به رویکردها و گفتمان‌های اجتماعی کردن مسائل محیط‌زیستی می‌پردازد. با انجام پژوهش‌هایی روی کارکردهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قانونی، مالی و اجرایی مرتبط با مسائل محیط‌زیستی، جامعه‌شناس محیط‌زیست به دنبال راهی است تا به جوامع نشان دهد چگونه می‌توانند از «قفس آهنین» یاس محیط‌زیستی خارج شوند و راهبردهایی همچون جنبش‌های محیط‌زیستی، توانمندسازی استانداردهای محیط‌زیستی، نوسازی بوم‌شناختی و شبکه‌سازی بین‌المللی را معرفی می‌کند.

۳- گروه سوم - استراتژی ست محیط‌زیست

استراتژی یا راهبرد، مفهومی است که از حوزه مدیریت نظامی سرچشمه گرفته است و همین‌طور که چند لر (در کتاب استراتژی و ساختار) بیان نمود، شامل تعیین اهداف بلندمدت و گزینش مجموعه اقدامات و تخصیص منابع لازم برای دستیابی به این هدف‌هاست. استراتژی، طرز نگرشی است که اساس آن بر تشخیص فرصت‌های اساسی و تحقق منافع

مشکلات زیادی دارد ولی از گذشته بهتر است؛ و هر تغییر اضافی، به معنای شرایط بدتر است و باید اجتناب شود. رویکرد پیش فعال یا آینده‌گرا (Proactive)، معتقد است که آینده از حال و گذشته بهتر خواهد بود. سعی می‌کند به تغییرات شتاب دهد و به دنبال وضعیتی می‌گردد تا از سودمندی تغییری که همان پیرامونشان اتفاق می‌افتد بهره‌مند شود. ولی رویکرد کنشگر یا فعال یا آینده‌ساز یا تعامل‌گرا (Proactive)، به وضعیت گذشته، حال یا آینده‌ی امور، قانع نیست. بلکه آینده مطلوب را طراحی می‌کند و سپس بر روی راه‌های ایجاد آن آینده، سرمایه‌گذاری می‌کند. چنین افرادی، فعالانه به آینده شکل می‌دهند.

وقتی مسائل محیط‌زیستی/منابع طبیعی، استخراج، نظریه‌پردازی و راهبرد شدند، اکنون وظیفه کنشگر محیط‌زیست می‌باشد تا در روزنامه‌ها، خیابان، مجلس، درون حزب یا دولت و سایر ارگان‌ها، دست بکار شده، کنش اجتماعی-سیاسی نماید و آینده را از الآن بسازد. کنشگر محیط‌زیست می‌تواند در مجموعه‌ای از روابط اجتماعی با افراد دیگر و از طریق حضور اجتماعی خود و با داشتن اهدافی مشخص و آگاهانه، به روابط و نظام اجتماعی-محیط‌زیستی امکان وجود و تداوم دهد.

نتیجه‌گیری

اکنون محیط‌زیست، علاقه‌مندان و کنشگران زیادی یافته است ولی گاهی نسخه‌هایی نوشته می‌شوند که نه تنها برای محیط‌زیست مفید و سازنده نیستند بلکه، بازدارنده و مخرب هم هستند. ناراضی هستیم ولی گیج، چون نمی‌دانیم چه کاری می‌خواهیم انجام دهیم؛ و از طرفی دیگر، نمی‌خواهیم از این گنجی خودخواسته بیرون بیاییم، چون بیرون آمدن از آن، «کوشش» می‌خواهد. پس همچون تأکید عجم او غلو و رابینسون (در کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند») بر بحث توانمندسازی جامعه، می‌دانیم که جامعه توانمند می‌تواند انتخاب شایسته و منتج به تأثیرگذاری برای حل مسائل را به بار آورد. پس اگر می‌خواهیم که فعالیت کنشگر محیط‌زیست، برای محیط‌زیست مفید باشد باید او را به گروه‌های قبلی این چارچوب، پیوند داده و توانمند کنیم.

نهفته آنان قرار دارد. این نگرش دو مفهوم مجزا و درعین‌حال وابسته به هم را مطرح می‌کند؛ یعنی تشخیص فرصت و دیگری، محقق ساختن منافع در فرصت. استراتژی ست در انجام وظیفه خود، مدام به گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوطه می‌پردازد، روند مجموعه را دنبال می‌کند، الگوهای پیش‌بینی کننده را طراحی می‌کند و به ارزیابی نقاط ضعف و قوت مجموعه می‌پردازد. هنر استراتژی ست را در پیروز شدن در هر نبردی از طریق زور نمی‌دانند، بلکه آن را تسلیم کردن دشمن بدون جنگ معرفی می‌کنند. بدین طریق، برنامه‌ریزی استراتژیک، فرآیندی از تفکر و عمل می‌باشد که به تدوین یک استراتژی مؤثر می‌انجامد که دارای ویژگی‌هایی همچون، رویکردی پویا و دائمی؛ قابلیت انعطاف؛ جامع و مناسب می‌باشد.

وقتی مفاهیم محیط‌زیستی توسط اندیشه‌ی فیلسوف محیط‌زیست، استخراج و توسط دانش جامعه‌شناس محیط‌زیست، نظریه‌های اجتماعی-محیط‌زیستی شدند، اکنون وظیفه استراتژی ست محیط‌زیست می‌باشد تا آن نظریه‌ها را به راهبردهای عملی تبدیل کند. در این مرحله، قشر وسیعی از کارشناسان محیط‌زیست و منابع طبیعی می‌توانند با توجه به گستردگی و پیچیدگی موضوعات علمی تحت تخصصشان، برنامه‌ریزی راهبردی آن نظریه‌ها را تهیه نمایند. این چنین، ارتباطات و مشارکت، تسهیل شده؛ علایق و ارزش‌های ناهمگرا با یکدیگر همسو و منطبق گردیده؛ تصمیم‌گیری‌های منظم و اجرای موفقیت‌آمیز، ترویج و تشویق شده؛ و بازسازی و آینده‌نگری از هم‌اکنون آغاز می‌شود.

۴- گروه چهارم - کنشگر محیط‌زیست

افراد، چهار رویکرد مختلف نسبت به برنامه‌ریزی و اجرا دارند از قبیل واکنشی، غیرفعال، پیش فعال و کنشگر. در رویکرد واکنشی یا گذشته‌گرا (Reactive)، تمام تلاش روی برگرداندن ساعت به عقب صرف می‌شود. فرقی نمی‌کند چقدر بد، ولی گذشته به حال ترجیح دارد. همیشه از «روزهای خوب گذشته»، صحبت می‌شود. چنین افرادی حتی از آینده نیز وحشت دارند و تلاش می‌کنند که اتفاق نیفتد. رویکرد غیرفعال یا حال‌گرا (Inactive)، سعی می‌کند حال را حفظ کند و آن را به گذشته و آینده ترجیح می‌دهد. هرچند، حال،

در پایان، با توجه به توضیحاتی که داده شد، باید چنین تقسیم‌کاری در بین افراد درگیر در مسائل محیط‌زیستی/منابع طبیعی به وجود آید و روابطی بر اساس تعامل و دوسویه، پایه‌ریزی و پیگیری شوند. باید قائل به این تفاوت‌ها باشیم. اگر نباشد به مفهوم تداخل امور و وظایف آن گروه‌ها و به طریقی، بر جا ماندن تمام امور و وظایف آنان است. ولی اگر چنین باشد هیچ‌وقت از یک فیلسوف انتظار نداریم که اعلامیه دستش بگیرد و در خیابان شعار بر له یا علیه یک جریان بدهد. همچنین برای سایر گروه‌ها، به‌هرحال، لازم است گفته شود که در دو گروه اول، به‌شدت به کمبود نیرو مواجه هستیم و امید است این نوشته، این دیدگاه را تقویت کند که باید فلسفه و علوم اجتماعی را در مسائل محیط‌زیستی و منابع طبیعی، تلفیق و همراه کنیم.

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.
متون سیاستی منتشرشده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.